

نقش نگرانی در مذاکرات هسته ای

نگرانی حقیقی و مجازی

(۳)

امیر فیض- حقوقدان

جریان این تحریر در ملاحظه ابعاد و تاثیرات نگرانی حقیقی است که در تحریر قبل، مقدمه ای از آن باتفاق در محط^۱ گفتگو قرار گرفت.

نگرانی از شقوق تهدید است که ایجاد رعب، وحشت و تالم سنگین میکند، از آنجا که نگرانی مجازی از بافته های فکری و احساس شخص است، در مدار توجه این تحریر قرار ندارد و تنها نگرانی حقیقی است که بار این تحریر به حساب میآید.

وجود نگرانی حقیقی متاثر بر امنیت فردی و اجتماعی و حتی امنیت بین المللی است. امنیت مانند ظروف مرتبته است وقتی عدم امنیت و هراس و نگرانی بر امنیت غالب گردد گسترش مییابد و امنیت فردی و حتی بین المللی راهم به مخاطره میکشد.

نگرانی حقیقی در مکتب حقوقی به تهدید و اربابی گفته میشود که بموجب حکم قطعی مراجع، دادگاه، قانون و در مواردی به استناد اقرار و اعتراف طرف باشد.

نگرانی عنوان شده از سوی ۱+۵ از ناحیه ایران تنها از باب اقرار جمهوری اسلامی (موافقتنامه ژنو) نیست بلکه همانطور که در تحریر قبل ارائه شد تعهد جمهوری اسلامی به اعمال قدرت برای اسلامی کردن تمام کشورهای جهان است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیاده شده است.

اسناد قطعی نگرانی حقیقی

بجاست که اسناد قطعی و مسلمی که موجب نگرانی حقیقی همه کشورهای جهان از جمهوری اسلامی است ارائه شود که نتیجه گیری خاصی که مورد نظر است، مستند باشد.

مستند اول قانون اساسی جمهوری اسلامی است

در معرفی و بیان شیوه حکومت در جمهوری اسلامی در قانون اساسی آن کشور آمده است:

❖ «قانون اساسی با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران که حرکتی برای پیروزی تمام مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم میکند بویژه در گسترش روابط بین المللی با دیگر جنبش های اسلامی و مردمی میکوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد. رسالت قانون

^۱ - محط. [مَحَطّ] (ع) منزل. (منتهی الارب). موضع و منزل. (ناظم الاطباء). جای فرود آمدن. محل فرود آمدن: چون از مهبط رحم به محط... لغت نامه دهخدا- ح-ک

- اساسی این است که زمینه های اعتقادی نهضت را عینیت بخشد و شرائطی را بوجود آورد که در آن انسان ها با ارزش های والای جهان شمولی اسلامی پرورش یابند.
- ❖ در تشکیل و تجهیز نیروهای دفاعی کشور، توجه بر آن است که ایمان و مکتب، اساس و ضابطه باشد بدین جهت ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب در انطباق با هدف فوق تشکیل میشوند و تنها حراست از مرزها بلکه بار رسالت مکتبی یعنی جهاد در راه خدا و مبارزه در راه گسترش حاکمیت خدا در جهان را فراهم سازند.
 - ❖ قوه مجریه جمهوری اسلامی به دلیل اهمیت ویژه ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی بمنظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد، بایستی راه گشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجه محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه دار سازد، از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد.
 - ❖ سیاست خارجی جمهوری اسلامی عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب است. <

در مستندات ارائه شده از قانون اساسی جمهوری اسلامی یافته های زیر مشخص است:

۱- حمایت و همکاری با جنبش های اسلامی

(همان جنبش هایی که امروزه تمام دنیا را به رعب و وحشت و ترور و آدم ربائی کشیده اند)، در تعهد و از تکالیف جمهوری اسلامی است. یعنی آن چیزی که در موافقتنامه جامع از سوی ۵+۱ لحاظ شده، قانون اساسی جمهوری اسلامی مشروعیت آنرا قبلا اعلام و اجرای آنرا در تعهد دولت قرار داده است و در کلامی کوتاه ایجاد نگرانی برای جامعه جهانی از سوی جمهوری اسلامی بصورت حکم قطعی پیاده شده است.

۲- تشکیل امت واحد جهانی

امت واحد جهانی که قانون اساسی جمهوری اسلام از آن یاد کرده همان ام القرای اسلامی است (فرهنگ اسلامی و تشیع) و به معنای قرار گرفتن جهان تحت یک مدیریت واحد و کارآمد است که همه بر اطاعت حاکم مقتدر جهانی اتفاق خواهند داشت. دین همه مردم جهان فقط اسلام خواهد بود، حاکم واحد مقتدر در امت واحد جهانی یک شیعه از نسل علی و فاطمه میباشد و بعد از ظهور امام مهدی، آن حاکم واحد مقتدر، امام مهدی میباشد که ۳۱۳ نفر از همراهانش را به حکومت قسمتهای دنیا حاکم میکند.

خمینی در رابطه با (ام القرای اسلامی) نوشته است: «ما که نمیخواهیم حکومت را از آنها بگیریم هر کدامشان که لایق بودند ما سر جایشان میگذاریم»

نگرانی و تهدید و وحشت مردم دنیا از این خواست و هدف جمهوری اسلامی که در قانون اساسی اش پیاده کرده که میلیارد ها مردم با ادیان مختلف، باورها و فرهنگ گوناگون و ملیت گرایی تحت حکومت اسلامی واحد و یک حاکم مانند سید علی خامنه ای قرار گیرند، چرا مورد توجه ۵+۱ قرار نگرفته و به نگرانی های حاشیه ای پرداخته است.

آیا نگرانی از برنامه تشکیل امت واحد جهانی برای مردم جهان خطرناکتر است یا غنی سازی اورانیوم؟

۳- ارزشهای والای جهان شمولی اسلام

رسالتی که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای خود قائل شده است قرارداد ارزشهای والای جهان شمولی اسلام است به جای ارزشهایی که مردم هرکشوری به آن ارج میدهند و بر آن عادت کرده اند.

بحث و شمارش ارزشهای اسلامی خود موضوع مفصل دیگری است ولی بهرحال نتایج آن ارزشها در کشورهای اسلامی جز فقر و عقب ماندگی و تعدی به حقوق و آزادیها و اسارت جامعه چیزی نبوده است.

ازباب نمونه، جابجایی بی حجابی زنان با چادر و حجاب اسلامی که یکی از ارزشهای اسلامی است، دردنیای آزاد امروز با چه مخاطره و نگرانی و مقاومت عمومی و وحشت عمومی همراه است؟ این جابجایی که در تمام شئون اجتماعی و فرهنگی و مذهبی وجود خواهد داشت چرا از اهمیت توجه دور مانده است و ۱+۵ بجای دزد واقعی جویای جای پای دزد است؟

به همین مقاومت خانمها در مقابل حجاب اجباری نگاه کنید. جمهوری اسلامی به اجبار خانمها در حفظ حجاب عنوان «طرح امنیت اخلاقی» داده است و آقای رادان معاون پلیس گفته است «طرح امنیت اخلاقی با فرمان ویا دستور تعطیل بردار نیست». (دیروز دوم خرداد)

آیا دشوار است به دامنه تهدید و خونریزی جانی در انتقال این ارزش اسلامی به ملت های آزاد جهان فکر کرد که ۱+۵ به هیچ روی متوجه آن در رفع نگرانی جامعه جهانی نیست.

۴- سلب حاکمیت ملی

تکلیف و وظیفه مهم دیگری که قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر کرده، سلب حاکمیت ملی از همه مردم کشورهای جهان و ثبت آن بنام خدا و بعد یک آخوند به نمایندگی خدا که حاکمیت خدادر روی زمین به اجرا درآوردن است؛ یعنی همان طریقی که در محدوده کوچکی چون ایران جریان یافته است.

آیا سلب حاکمیت ملی مردم کشورها که در تکلیف و تعهد جمهوری اسلامی است و مردم کشورها را به صورت صغیر و غافل از منافع کشور خود در میآورد امری است که بتوان به آن عنوان نگرانی داد.

صد برابر جنگهای اول و دوم جهانی هم قادر به انجام آن نیست و عجیب است که کشورهای ۱+۵ فقط چهارچشمی به نقض حقوق بشروغنی سازی نگاه میکند برآستی که ضرب المثل «سوراخ دعا را کم کرده» مصداق عمل آنهاست.

۵- بی اعتنائی به مقررات و محدودیتهای بین المللی

قانون اساسی جمهوری اسلامی چون میدانسته که بلند پروازیهایی که هدف نهایی جمهوری اسلامی قرار گرفته، با مقررات سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایرت دارد جمهوری اسلامی را از تبعیت هرگونه مقررات و نظاماتی که مانع و یاسبب کند شدن خواستههای جمهوری اسلامی است منع کرده و عنوان «مقررات دست و پاگیر» به آنها داده است.

باین صراحت قانون اساسی جمهوری اسلامی، که بی اعتنائی به تمام تصمیمات جهانی و منشورها را حکم داده، ۱+۵ چه ضمانتی برای رفع نگرانی های جامعه جهانی دارد الا حفظ و ازدیاد تحریم ها.

آیا ۵+۱ پاسخ این سوال را دارد؟ ملتی که بموجب قانون اساسی فاقد حق حاکمیت است و در واقع صغیر و تحت اراده ولی و قیم است چرا باید بابت خودسری های قیم و ولی خود خسارت بدهد و مجازات شود. عدالت و انصاف ۵+۱ یعنی اینکه بجای مجازات مجرم فرزند صغیر او شلاق بخورد؟

۶- صلح و همزیستی فقط با کشورهای اسلامی

جمهوری اسلامی در اصل ۱۵۲ قانون اساسی خودش صراحتی دارد که بسیار قابل توجه، خاصه برای گروه ۵+۱ است و آن بردو بخش است.

• اول - عدم تعهد در برابر قدرتهای سلطه گر

قانون اساسی جمهوری اسلامی، آن کشور را از هرگونه تعهدی در مقابل کشورهای سلطه گر ممنوع ساخته است.

از آنجا که جمهوری اسلامی کشورهای ۵+۱ را کشورهای سلطه گر می شناسد و از آنجا که در فرهنگ جهانی، کشورهای سلطه گر معرفی نشده اند بنابراین کشورهای سلطه گر در قانون اساسی جمهوری اسلامی هر تعدادی که باشند کشورهای ۵+۱ در ردیف اول قرار دارند. لذا جمهوری اسلامی حق نداشته و ندارد که در مقابل ۵+۱ تعهدی بنماید و آنچه که در موافقتنامه ژنو صورت گرفته اثر اجرایی برای جمهوری اسلامی ندارد، و گروه ۵+۱ نباید استنکاف جمهوری اسلامی را از موافقت و تعهداتش در مقابل ۵+۱ نقض تعهدات بگیرد. جمهوری اسلامی به اعتبار قانون اساسی اش فاقد اهلیت و صلاحیت برای تعهد در مقابل کشورهای سلطه گراست و احراز این موضوع مهم که احراز صلاحیت و اهلیت برای طرف تعهد است بر عهده ۵+۱ است که ۵+۱ به آن توجه نکرده و هنوز هم ندارد.

• دوم - حالت جنگ دائم با کشورهای غیر اسلامی

همان اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی روابط صلح آمیز با کشورهای جهانی که اصل منشور سازمان ملل است را به کنار گذاشته و روابط صلح آمیز جمهوری اسلامی را فقط با کشورهای غیر محارب (در حقوق اسلامی کشورهای غیر محارب یعنی کشورهای مسلمان) میداند.

بنابراین در حالیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی به تمامی کشورهای غیر مسلمان جهان از جمله همین گروه ۵+۱ اعلان جنگ داده گشودن فصل نگرانی از سوی گروه مزبور یک ندانم کاری و نتیجه نشناختن هویت اسنادی جمهوری اسلامی است.

اهمیت تصریحات در قانون اساسی کشورها

ممکن است بسیاری به اهمیت اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی در صدور انقلاب و تشکیل ملت واحد و انتقال حاکمیت مردم به خدا واقف نباشند و آنرا یک سیاست اسلامی برای بزرگ نمائی و رعایت حکم قرآن بگیرند.

ولی چنین نیست، حکم قانون اساسی، حکم ملت شناخته میشود. که از دین مردم پشتیبانی شده است. اجرای آن فوری و قطعی است؛ برعکس تصور برخی، مصرف داخلی ندارد مصرف دینی و قانونی جهانی دارد.

درباب اهمیت تصریح قانون اساسی جمهوری اسلامی در صدور اسلام به تمامی جهان کافی است توجه کنیم که تاراندا مودی نخست وزیر جدید هند که حزبش معتقد است <هندوستان، دین بودائی هاست> و از تبعیضات علیه مسلمانان مقیم هند طرفداری میکرد اکنون که به نخست وزیری رسیده سخت سبب نگرانی ۱۶۰ میلیون مسلمان مقیم هند شده است و روزنامه نیویورک تایمز همین دیروز مقاله ای در وحشت عمومی مسلمانان هند منتشر ساخت.

هند با یک میلیارد جمعیت، مدعی صدور دین بودا به تمام کشورهای جهان نشده که ایران شده، موضوع تبعیض بر مسلمانان و یا اختصاص سرزمین هند به بودائی ها هم در قانون اساسی آن کشور پیاده نشده بلکه اتهامی است که به حزب نخست وزیر جدید هند زده میشود و اینها با موقعیت جمهوری اسلامی که قرآن رامنشاء مشروعیت قانون اساسی کشورش میداند یعنی به قانون اساسی همان اعتبار داده که اسلام به قرآن داده تفاوت دارد.

در قانون اساسی کشوری که به روابط دوستانه بین کشورها تصریح شده اگر دولت ناهنجاریهایی را با دولتها پیش گیرد مجلس وارد میشود و حرکت دولت و حکومت را متوقف میکند ولی در جمهوری اسلامی با صراحتی که در قانون اساسی آن کشور است اگر دولت راه سازش و روابط دوستانه را با دولتهای غیر اسلامی در پیش گیرد روی قانون اساسی پل زده و با اعتراض مجلس روبرو میشود.

بایک بررسی جامع این حقیقت خود نمائیشود که تمامی اقدامات خشونت آمیز جمهوری اسلامی از نقض حقوق بشرو حمایت از تروریسم دولتی و توسل به فعالیت های هسته ای مشکوک که در اتهام جمهوری اسلامی قرار دارد در رابطه با همین تکلیفی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی برای حکومت کنونی ایران قائل شده است که اسلام و انقلاب اسلامی که دومی به مراتب پست تر و خطرناکتر از اسلام است به کشورهای جهان صادر کند.

یک وقت رئیس یک کشور بمناسبت عقده های درونی جنگ با کشور دیگری راندنبال میکند <احمد پسر خمینی گفت: پدرم از آن جهت با عراق جنگید که صدام به پدرم گفت یا از عراق برو و یا ساکت باش>

ولی وقتی جنگ بایک کشور یا تمامی کشورهای جهان در قانون اساسی یک کشور پیاده شد این دیگر یک عقده شخصی و یا شوخی نیست، حتما تکلیف ملی است که چه آن دولت امکان اجرای حکم قانون اساسی را داشته باشد و یا نداشته باشد حداقل تاثیر آن، نگرانی همه کشورهای جهان و به مخاطره افتادن امنیت جهانی را در بر دارد چراکه:

آنچه در قانون اساسی آن کشور متجاوز (جمهوری اسلامی) آمده اعلان جنگ بدون مدت است به همه دولتها و کشورهای جهان.

به اتفاق، مستند دوم، به تحریر آتی موکول میشود.